

علم أصول الفقه

١-٧-٩٢ حجية الظن في نفسه ٨

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

حجية الظن في نفسه

- فالأولى أن يجاب عن هذا الدليل. بأنه إن أريد من الضرر المظنون العقاب فالصغرى ممنوعة لأن استحقاق العقاب على الفعل أو الترك كاستحقاق الثواب عليهما ليس ملازماً للوجوب و التحريم الواقعيين كيف و قد يتحقق التحريم و تقطع بعدم العقاب في الفعل كما في الحرام و الواجب المجهولين جهلاً بسيطاً أو مركباً بل استحقاق الثواب و العقاب إنما هو على تحقق الإطاعة و المعصية اللتين لا تتحققان إلا بعد العلم بالوجوب و الحرمة أو الظن المعترف بهما.

حجية الظن في نفسه

- و أما الظن المشكوك الاعتبار فهو كالشك بل هو هو بعد ملاحظة أن من الظنون ما أمر الشارع بإلغائه و يحتمل أن يكون المفروض منها.

حجية الظن في نفسه

- نقد بیان اول
- روح کلام شیخ - رضوان الله تعالى عليه - برای نقد صغری به قاعده قبح عقاب بلا بیان بر می گردد. می گوید وقتی به حکمی ظن داریم، در صورتی ظن به عقاب پیدا می کنیم که ظن ما نسبت به آن حکم باعث تنجز آن حکم بر ما شده باشد در حالی که اصل بحث ما در همین است که آیا ظن موجب تنجز حکم است یا نه و فرض این است که الآن دلیلی بر تنجز حکم به واسطه ظن نداریم. پس ظن به حکم مستلزم ظن به عقاب نیست؛

حجية الظن في نفسه

- به عبارت دیگر معیار عقاب، حکم واقعی نیست تا گفته شود چون ظن به حکم واقعی دارم، به همان مقدار هم وجود عقاب را احتمال می‌دهم.
- چه بسا در واقع حکم باشد ولی هیچ عقابی نباشد؛ مثل آنجا که حکم منجز نشده باشد.
- پس برای اینکه ظن به حکم، مستلزم عقاب باشد، باید این ظن، حکم را منجز کند و الآن بحث ما در اصل تنجز حکم به واسطه ظن است.

حجية الظن في نفسه

- تکیه گاه جواب شیخ - رضوان الله تعالى علیه - همان قاعده قبح عقاب بلا بیان است. در واقع ایشان همان مضمون قاعده را توضیح می دهد که اگر در واقع حکمی باشد و آن حکم برای ما احراز نشده باشد، در مقابل این حکم مسئولیتی نداریم.
- تنها عاملی که از دیدگاه عقل واقع را احراز و حکم بر ما منجز می کند، یقین است که کشفش تام است.

حجية الظن في نفسه

- تا اینجای بحث هیچ منجز دیگری غیر از یقین نیافتیم.
- بنابراین اقتضاء قاعدة قبح عقاب بلا بیان این است که صرف ظن به حکم، مستلزم تنجز حکم نیست و ظن به عقاب را در پی ندارد.

حجية الظن فى نفسه

- و إن أريد من الضرر المظنون المفسدة المظنونة ففيه أيضا منع الصغرى فإننا و إن لم نقل بتغير المصالح و المفاصد بمجرد الجهل إلا أنا لا نظن بترتب المفسدة بمجرد ارتكاب ما ظن حرمة لعدم كون فعل الحرام علة تامة لترتب المفسدة حتى مع القطع بثبوت الحرمة لاحتمال تداركها بمصلحة فعل آخر لا يعلمه المكلف أو يعلمه بإعلام الشارع نظير الكفارة و التوبة و غيرهما من الحسنات اللاتى يذهب السيئات.

حجیة الظن فی نفسه

- نقد بیان دوم
- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - در نقد بیان دوم با این مشکل مواجه است که مفسده و مصلحت امر واقعی هستند و تابع تنجز حکم، بلکه جعل و اعتبار آن هم نیستند. برای همین بیانی که در نقد اول گذشت، در اینجا قابل تطبیق نیست.

حجية الظن في نفسه

- او در نقد این صغری می گوید در بحث های آینده خواهیم گفت که در موارد ظن مطلق (ظنی که دلیل خاص بر حجیت آن وجود ندارد) برائت شرعی و استصحاب جاری می شوند.
- وی همچنین در بحث جعل حکم ظاهری مبنایی دارد، که از آن برای حل این مشکل کمک می گیرد.

حجية الظن في نفسه

- مصلحت سلو كيه
- ایشان این طور استدلال می کند که در موارد ظن به حکم، مادامی که ظن ما از ظنون خاصه مثل ظن حاصل از خبر واحد ثقه یا ظواهر نباشد، دلیل داریم که براءت شرعی یا استصحاب جاری است. (مقدمة اول)

حجیة الظن فی نفسه

- در بحث جعل حکم ظاهری گفته اند وقتی حکم ظاهری مخالف با واقع باشد، ما مصالح واقعی را از دست می دهیم یا گرفتار مفسد واقعی می شویم. پس چرا خدا - تبارک و تعالی - حکم ظاهری جعل می کند؟

حجیة الظن فی نفسه

- شیخ - رضوان الله تعالى علیه - در جواب این اشکال می فرماید در حکم ظاهری مصلحتی هست که آن مصالح واقعی فوت شده یا مفاسد واقعی دچار شده واقعی در اثر عمل به این حکم ظاهری را جبران می کند.

حجية الظن في نفسه

- به تعبیر دیگر فرض کنید چیزی در واقع واجب است و صد و پنجاه درجه مصلحت دارد، وقتی در ظاهر دلیلی اقامه شود که این عمل واجب نیست و شما طبق همین دلیل عمل کنید، خود همین عمل کردن شما به این دلیل، صد و پنجاه درجه مصلحت ایجاد می‌کند که آن مصلحت واقعی از دست رفته را جبران می‌کند؛ یعنی ایشان می‌پذیرد که احکام ظاهری دارای مصالح مستقله از احکام واقعی هستند.

حجیة الظن فی نفسه

- مبنای ایشان به شکلی که بیان کردم، همان نظریة مصوبه است که وی به شدت از پذیرش آن ابا دارد.
- به همین جهت در توضیح مبنای خود می‌گوید: مصالح احکام ظاهری در متعلق حکم نیست تا به تصویب منجر گردد، بلکه در خود عمل کردن به این احکام است؛
- به عبارت دیگر این مصالح در سلوک بر طبق این امارات و اصول عملیه است نه در مؤدای امارات یا اصول عملیه.
- به همین دلیل اسمش را هم **مصلحت سلوکیه** می‌گذارد.

حجیة الظن فی نفسه

- او همچنین معتقد است این مصلحت به همان اندازه‌ای است که از واقع فوت شده‌است. پس مقدار ثابتی نیست؛ مثلاً فرض کنید به استناد اماره‌ای به این نتیجه رسیدید که در روز جمعه، نماز جمعه واجب است و نماز ظهر واجب نیست. در نتیجه در نماز جمعه شرکت کردید. بعد از گذشت وقت - موقعی که غروب شده بود - معلوم شد که آن اماره مطابق با واقع نبوده‌است. پس نماز جمعه واجب نبوده و نماز ظهر واجب بوده و الآن نماز ظهر فوت شده‌است و دیگر امکان نماز ظهر به صورت اداء برای شما نیست و با قضاء هم نمی‌توانید همه آن مصالح فوت شده را به دست آورید. در این مورد فقط آن مقداری که با قضاء قابل جبران نیست، با عمل به اماره جبران می‌شود.

حجية الظن في نفسه

- پس اگر فرض کنید خواندن نماز ظهر صد درجه مصلحت دارد و نماز قضای ظهر می تواند هشتاد درجه از آن مصلحت را استیفا کند. وقتی شما به اماره عمل کردید، نماز جمعة شما بیست درجه مصلحت خواهد داشت. اگر در خود وقت، فهمیدید که در واقع نماز ظهر واجب بوده است؛ ولی فضیلت اول وقت را از دست داده اید، آن نماز جمعه فقط به اندازه خواندن نماز در اول وقت، مصلحت دارد؛ مثلاً اگر مصلحت اول وقت ده درجه باشد، همان ده درجه را به شما می دهند و ما بقی مصالح در اصل نماز هست که باید با اتیان آن به صورت اداء تأمین شود. (مقدمة دوم)

حجية الظن في نفسه

- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - از این دو مقدمه نتیجه می‌گیرد که چون در موارد ظن مطلق براءت شرعی و استصحاب جاری می‌شوند، اگر به حکم مظنون عمل نکردیم و مصلحتی در واقع از ما فوت یا مفسده‌ای پیدا شود، این مصلحت و مفسدة واقعی با عمل ما به آن استصحاب یا براءت جبران می‌شود.